

**نویسنده:** م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar» .  
**منبع و تاریخ نشر:** اندیا پانچیلا «2026-01-28» .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

**کنار گذاشتن خویشتن داری «شیکیبایی» در  
شرایطی که جهان در آستانه‌ی خطر است**

***Abandoning restraint when the world is  
on edge***

اگر پیمان استارت جدید در ۴ فوریه منقضی شود، برای اولین بار از  
اوایل دهه ۱۹۷۰، هیچ پیمانی که نیروهای هسته‌ای آمریکا و روسیه  
را محدود کند، وجود نخواهد داشت.

*If the New START lapses on February 4, there will be no pact  
limiting the American and Russian nuclear forces for the first time  
since the early 1970s*



تصویر نمایشی (تصاویر اکسپرس / ماندار پارادیکار)

\*\*\*\*\*

جنگ اوکراین مطمئناً یک رویداد قطعی برای دوره یک ساله آینده خواهد بود - چه به طور مستقیم و چه از نظر پیامدهای آن. ترکیبی از شرایط «اتفاقی» موقعیت روسیه را در طول ماه اول سال جدید به طور قابل توجهی تقویت می‌کند و آن را در نوعی موقعیت «برد-برد» قرار می‌دهد. مسکو چنین شرایطی را ترتیب نداده است، اما فرصت تنظیم موقعیت خود را نیز از دست نمی‌دهد. کانال‌های خصوصی در حال فعالیت هستند.

اول از همه، کرملین و کاخ سفید با هم متحد هستند که آنچه را که در تلاش بودند در مسیرهای موازی کنار هم قرار دهند - قالبی برای اولین مذاکرات امنیتی بین روسیه و اوکراین با مشارکت نمایندگان آمریکا و نقشه راه بسیار چالشی برانگیزتر برای بهبود جنبه‌های گسترده تر روابط روسیه و آمریکا - ناپدید از مسیر خود خارج شود.

هم روسیه و هم ایالات متحده لابی‌هایی دارند که با آشتی مخالفند یا آن را رد می‌کنند. اما آنچه زمان حال را متمایز می‌کند این است که دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین اشتراکات زیادی دارند. هر دو، دولت‌گرایان قدرتمندی هستند و هماهنگی آنها بسیار مدتها پیش گفته بود، منافع شخصی منطقی تنها انگیزه‌ی اقدام آنها نیست. هر دو سیاستمدار محافظه‌کار هستند و به ذهنیت «قلعه محاصره‌شده» پایبندند. پوتین، جاسوس دوست‌داشتنی و اهل همکاری با اعصابی پولادین، مسیر تشدید تعامل خود با ترامپ را در یک تصمیم عمل‌گرایانه انتخاب کرده است.

اما زمان در حال گذر است و تنها یک هفته به انقضای پیمان استارت جدید (معاهده کاهش تسلیحات استراتژیک) در ۴ فبروری باقی مانده است. انقضای پیمان ۲۰۱۱ به این معنی است که تمام شرط‌بندی‌ها در مسیر روابط روسیه و آمریکا از بین رفته است - زیرا برای اولین بار از اوایل دهه «۱۹۷۰»، هیچ محدودیت قانونی الزام‌آوری در نیروهای هسته‌ای استراتژیک ایالات متحده و روسیه وجود نخواهد داشت. ابتکار پوتین در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵ - که رسماً تمدید داوطلبانه‌ی یک ساله محدودیت‌های اصلی پیمان استارت جدید را پیشنهاد می‌دهد - روی میز ترامپ افتاده و منتظر پاسخ است. احتمالاً، ترامپ ترجیح می‌دهد قابلیت‌های پیشرفته دفاع موشکی ایالات متحده را تحت برنامه گنبد طلایی، که از حمایت قوی مجتمع نظامی-صنعتی برخوردار است، تسریع کند و یادآوری به موقعی باشد که «برتری هسته‌ای» همچنان یک رویای آمریکایی است. شبی که امنیت بین‌المللی را تسخیر کرده است، لغزشی سریع و خطرناک به محیطی بدون محدودیت در زمان رقابت ژئوپلیتیکی شدید است.

پوتین روش‌های جایگزینی برای مقابله با فشار ایالات متحده دارد - به عنوان مثال، با توسعه دارایی‌های استراتژیک که ایالات متحده در برابر آنها بی‌دفاع است، مانند موشک اورشونیک مافوق صوت با قدرت مخرب عظیم آن، یا موشک کروز بوروستنیک با قابلیت پرواز در ارتفاع پایین، مجهز به سلاح هسته‌ای و مجهز به کلاهک هسته‌ای (در حال توسعه)، و پوزیدون، که آن هم یک وسیله نقلیه زیرآبی بدون سرنشین و «خودمختار» با موتور هسته‌ای و حامل کلاهک‌های هسته‌ای یا متعارف است که برای حمله به اهداف

ساحلی با پتانسیل مخرب سونامی را طراحی شده است. اشتباه نکنید، روسیه در مورد تصویر کلی تعادل استراتژیک مصالحه نخواهد کرد.

ترجیح مشخص پوتین این است که از یک مسابقه تسلیحاتی جدید در محیطی که فهم نیات را دشوارتر و مدیریت بحران‌ها را دشوارتر می‌کند، اجتناب کند. او ترجیح می‌دهد بر پروژه بسیار جاه‌طلبانه خود تمرکز کند تا بر موفقیت‌های چشمگیری که در ربع قرن گذشته برای بازسازی کشورش که به آن تکیه کرده است، به دست آورده است، تکیه کند. امروز، اقتصاد روسیه از اکثر کشورهای غربی بهتر عمل می‌کند و پوتین ترجیح می‌دهد جنگ اوکراین را تمام کند و روی مرحله جدیدی از ملت‌سازی با تکیه بر یک رابطه مناسب با ایالات متحده کار کند، که به اعتقاد او، در دوران ریاست جمهوری ترامپ امکان‌پذیر است.

با این حال، سوال بزرگ همچنان باقی است: آیا ترامپ می‌تواند به وعده خود عمل کند؟ یک مثال گویا، بازگرداندن املاک دیپلماتیک روسیه در ایالات متحده است که باراک اوباما در ژانویه ۱۹۹۶، زمانی که تنها دو هفته تا بازنشستگی‌اش باقی مانده بود، صادره کرد و با توطئه شرورانه دولت پنهان آمریکا برای پیچیده کردن روابط با روسیه همدست شد. مایکل فلین، مشاور امنیت ملی منصوب برای ریاست جمهوری آینده، با سفیر روسیه تماس گرفت و او را متقاعد کرد که تلافی نکند، زیرا ترامپ قصد داشت تصمیم اوباما را لغو کند. ترامپ دوره اول ریاست جمهوری خود را در سال ۲۰۲۱ به پایان رساند و اکنون در سال دوم دومین دوره ریاست جمهوری خود است، اما نتوانسته املاک را به روس‌ها بازگرداند. او حتی نمی‌خواهد در مورد آن صحبت کند. دیمیتری پسکوف، سخنگوی پوتین، هفته گذشته اظهار داشت: «ترامپ سیاستمداری باتجربه است، کسی که رویکردهای خود را بر اصول تجارت خشن و بی‌رحمانه بنا نهاده است و در درجه اول از منافع خود و منافع کشورش دفاع می‌کند. روش‌هایی که او استفاده می‌کند کاملاً با رویکرد ما به یک جهان چندقطبی مطابقت ندارد. ترامپ هنوز طرفدار به زانو درآوردن همه و حل همه چیز از طریق زور است. او می‌گوید که برای تصمیم‌گیری‌هایش از زور استفاده می‌کند. از نظر ما، او دیگران را مطیع اراده خود می‌کند. و کسانی که تسلیم می‌شوند، همچنان تسلیم خواهند شد. نکته اصلی این است که خودمان این کار را نکنیم.»

آیا این کلمات چاپلوسانه به اندازه کافی کافی هستند؟ اما در زندگی، بیشتر چیزها نسبی هستند. آنچه برای روس‌ها مهم است این است که اروپایی‌ها، وفادارترین کشورهای دست‌نشانده که آمریکایی‌ها تا به حال داشته‌اند، توسط ترامپ سر جای خود قرار گرفته‌اند و سرنوشت ناتو به مویی بند است. طبق گزارش‌ها به ولودیمیر زلنسکی گفته شده است که تنها چیزی که دارد مسیر امنیتی در ابوظبی است و دیگر نمی‌تواند انتظار داشته باشد که اروپایی‌ها او را نجات دهند. در همین حال، روس‌ها و آمریکایی‌ها از طریق کانال‌های خصوصی در حال بهبود جنبه‌های گسترده‌تر روابط بین دو کشور خود هستند. کاهش لحن تهاجمی در اظهارات ترامپ در داووس در مورد گرینلند نشان می‌دهد که او فعلاً از یک

سناریوی زورگویانه اجتناب خواهد کرد. او که مانند یک عمل‌گرا عمل می‌کند، قادر است لحن خود را به شیوه‌ای خاص تغییر دهد.

از سوی دیگر، لحن ترامپ در قبال روسیه تغییر نکرده است. او به دیپلماسی پایبند است، اما همچنین سعی دارد نشان دهد که مسائلی غیر از درگیری اوکراین در دستور کار بین‌المللی وجود دارد. استراتژی دفاع ملی پنتاگون که در 23 ژانویه منتشر شد، از روسیه به عنوان "تهدیدی مداوم اما قابل مدیریت برای اعضای شرقی نا تو در آینده نزدیک" یاد می‌کند و انتظار دارد روسیه قابلیت‌های نظامی و تولیدی خود و همچنین توانایی نوسازی قابلیت‌های موشک‌های هسته‌ای خود را حفظ کند.

اما این سند همچنین تأکید می‌کند که "ناتوی اروپایی" از نظر پتانسیل اقتصادی و نظامی و همچنین جمعیت از روسیه پیشی می‌گیرد. جالب اینجاست که این طرح سناریوی خاصی را پیش‌بینی می‌کند که در آن متحدان اروپایی قادر خواهند بود بخش عمده‌ای از مسئولیت امنیت منطقه‌ای را با «حمایت مهم اما محدود» واشنگتن به عهده بگیرند.

----- **با تقدیم احترامات «2026-02-01»**

.....